

در نهی از غیبت و افتراء

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



کتاب گنجینه حدود و احکام باب چهل و دوم - صفحه 303

باب چهل و دوم

در نهی از غیبت و افتراء

در کتاب اقدس نازل قوله تعالى: "قد حرم عليكم القتل والزنا ثم الغيبة والأفتراء اجتنبوا عما نهيتم عنه في الصحائف والألواح." (بند ۱۹)

و در کلمات مکتونه که در سنه ۱۲۷۴ هجری در بغداد از قلم مبارک جمالقدم جلّ جلاله نازل شده میفرمایند قوله تعالى: "يا بن الوجود، كيف نسيت عيوب نفسك و اشتغلت بعيوب عبادي من كان على ذلك فعليه لعنة مني."

"يا بن الانسان، لا تنفس بخطاء احد ما دمت خاطئا و ان تفعل بغير ذلك ملعون انت و انا شاهد بذلك."

"اي مهاجران، لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالائید و اگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من زیرا که هر کدام از شما بنفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من." و در کتاب مبارک ایقان در ضمن اوصاف مجاهدین میفرمایند قوله تعالى: "ولكن ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محلّ ظهور و بروز تجلّی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزّه



ORIGINAL

فرماید غیبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح دکتر اسگیز واشنگتن میفرماید قوله العزیز: "بدترین خلق انسانی و نگاه عظیم غیبت نفوس است علی الخصوص صدورش از احبای الهی. اگر نوعی میشد که ابواب غیبت مسدود میشد و هر یکی از احبای الهی ستایش دیگرانرا مینمود آنوقت تعالیم حضرت بهاءالله نشر مییافت، قلوب نورانی میگشت، روحها ربانی میشد، عالم انسانی سعادت ابدی مییافت. امیدم چنانست که احبای الهی بکلی از غیبت بیزار شوند و هر یک ستایش یکدیگر نمایند و غیبت را سبب نعمت الهی بدانند تا بدرجهای رسد که هر نفسی اگر کلمه‌ای غیبت نماید در بین جمیع احبای رسوا شود. زیرا مبعوض‌ترین اخلاق عیب جوئی است باید تحرّی مدایح نفوس نمود نه تجسس عیوب نفوس. بقدر امکان باید از عیوب چشم پوشید و از کمال نفوس بحث کنید نه از نقائص آنها. گویند حضرت مسیح روحی له الفداء روزی با حواریون بر حیوان مرده‌ئی گذشتند یکی گفت این حیوان چقدر متعفن است دیگری گفت چگونه صورت قبیح یافته است دیگری گفت چقدر مکروه است حضرت مسیح فرمودند ملاحظه بدنانه‌های او نمائید چقدر سفید است. ملاحظه کنید که هیچ عیوب آن حیوانرا حضرت مسیح ندید بلکه تفتیش فرمود تا ملاحظه کرد که دندانش سفید است همان سفیدی دندانرا دید دیگر از پوشیدگی و تعفن و قبح منظر او چشم پوشید. این است صفت ابناء ملکوت، این است روش و سلوک بهائیان حقیقی. امیدوارم که احبای بآن موفق گردند."

و در لوح احبای امریکا میفرماید قوله العزیز: "از بهائی نفسی بمذمت دیگری لب نگشاید و غیبت را اعظم خطا در عالم انسانی داند. زیرا در جمیع الواح بهاءالله مصرح است که غیبت و بدگوئی از دسائس و وساوس شیطانی است و هادم بنیان انسانی. شخص مؤمن مذمت نفسی از بیگانگان نکند تا چه رسد از آشنایان و غیبت دشمن نماید تا چه رسد بمذمت دوست. بدگوئی و غیبت صفت سقیم الافکار است نه ابرار و خودپسندی از خصائص اغیار است نه یاره."

و در لوح دیگر میفرماید قوله العزیز: "هو الله بعضی از احبای در سرّ سرّ مذمت یاران دیگر نمایند و اساس غیبت را در نهایت متانت وضع نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند البتّه کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح نمائید زیرا هیچ خصلتی مضرّتر از این صفت عیبجوئی نه علی الخصوص بامرالله. ادا نباید نفسی کلمه‌ای اشاره غیر لائق نسبت باحدی از احبای الله اظهار دارد عجبت من اشتغل بعیوب الناس و هو غافل عن عیوب نفسه مسلک روحانیانست نهایت دقت را در منع از این خصلت نمائید و ادا نگذارید احدی جز ستایش از زبانش جاری گردد. ع"ع"

و در لوح مبارک دیگر میفرمایند قوله العزیز: "ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خمودت و جمودت نیارد اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتیت. اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمر و چه فایده آیا سبب رضایت جمالمبارک است یا علت عزت ابدیه احبای الهی؟ آیا سبب ترویج دینالله است و یا علت تثبیت میثاقالله؟ نفسی مستفید گردد و یا شخصی مستفیض؟ لا والله بلکه چنان غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را ببیند. ولی اگر نفسی بستایش دیگری پردازد و بمدح و ثنا لسان بگشاید مستمعین بروح و ریحان آیند و بنفحاتالله مهتر گردند."